

بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای استادان علوم پزشکی بر مبنای دیدگاه سازنده‌گرایی

میمنت عابدینی بلترک^{۱*}، احمدرضا نصر اصفهانی^۲، محمدرضا نیلی^۳

۱. دانشجوی دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی، استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی، استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

● پذیرش مقاله: ۹۲/۸/۴

● دریافت مقاله: ۹۲/۵/۱۲

انجام این وظیفه خطیر نیازمند مهارت‌هایی هستند که به بهترین شکل انجام گیرد. یکی از این راه‌ها، استفاده از نظریه سازنده‌گرایی در تدریس به عنوان رویکردی نوین در امر آموزش است. یکی از عناصر مهمی که در توفیق آموزش مؤثر نقش حیاتی را ایفا می‌کند و نقطه آغاز هر تحول آموزشی است، استادان شایسته می‌باشند؛ سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای آن‌ها نیز اهمیت می‌یابد.

در این راستا بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای استادان می‌تواند چنین شایستگی‌ها و صلاحیت‌هایی را نمایان سازد. پس با توجه به اهمیت نقش استادان در آموزش عالی و همچنین اهمیت و تأثیر رویکرد سازنده‌گرایی بر ابعاد گوناگون عملکرد آنان (از هدف گرفته تا روش تدریس و ارزشیابی)، سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای حایز اهمیت است (۱). بر اساس سازنده‌گرایی، مربیان در جستجوی تدوین و توسعه راهبردهای متنوع آموزشی مانند یادگیری مشارکتی، روش پروژه و...

در مطالعات مشخص شده است که دانشگاه به عنوان یکی از باارزش‌ترین منابعی است که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد؛ چرا که می‌توان از طریق آن سبب گسترش توانایی‌ها، خلاقیت و نوآوری، قابلیت انسان‌ها برای حل مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و بهره‌مندی از منابع و به‌طور کلی بهبود شرایط زندگی مادی و معنوی افراد جامعه شد. در بین عناصر تشکیل دهنده دانشگاه، استادان به عنوان عنصر کلیدی محسوب می‌گردند؛ زیرا اصلی‌ترین وظیفه‌ای که آن‌ها بر عهده دارند، تربیت نیروی انسانی متخصص موردنیاز بخش‌های مختلف می‌باشد.

استادان دانشگاه عنصر اصلی و مهم نظام آموزشی کشور به شمار می‌روند و توانمندی آن‌ها به سبب ارتباط با دانشجویان، بر عملکرد آموزش عالی تأثیر مستقیم دارد. کاربرد هر گونه روشی در تعلیم و تربیت دانشجویان از سوی استادان بر روی یادگیری و ابعاد مختلف آن تأثیرگذار خواهد بود، بنابراین برای

می باشند. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی صلاحیت های حرفه ای استادان با تأکید بر رویکرد سازنده گرایی بود. از سوی دیگر، آموزش در بخش پزشکی نیز به شیوه سنتی و مبتنی بر کلاس درس جوابگو نیست و شیوه های جدیدی می طلبد. یکی از این رویکردها که شیوه های جدید را در آموزش پزشکی به دنبال آورده است، آموزش با رویکرد سازنده گرایی می باشد.

تأکید بر یادگیری فعال در فضای دانشگاه ها، توجه به نقش دانشجویان، عدم تأکید بیش از حد بر نمره و... همگی از جمله مسائلی هستند که به تازگی بسیار مطرح شده اند و این موارد را می توان در نظریه سازنده گرایی یافت. تأثیر این نظریه به خصوص در روش تدریس نمایان می شود؛ بدین صورت که تدریس مبتنی بر سخنرانی کاهش می یابد و در مقابل تدریس بر اساس محورهای سازنده گرایی، روش تدریس فعال، مسأله محوری و... صورت می گیرد. همان گونه که مشخص است، واضح کاربرد روش تدریس در دانشگاه ها، استادان می باشند؛ بنابراین پژوهش حاضر نیز این قشر را مورد بررسی قرار داد که آیا سن، مرتبه علمی، جنسیت و سابقه خدمت آنان بر سازنده گرا بودن یا نبودن آن ها تأثیر دارد یا خیر؟

در مجموع آموزش به عنوان یکی از بخش های پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. وجود مجلات پژوهشی متعدد خارجی و در بعضی موارد داخلی، همایش های متعدد بین المللی با موضوع آموزش پزشکی و عنوان وزارت «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» همگی حکایت از اهمیت چگونگی و نحوه ارائه یافته های پزشکی به دانشجویان علوم پزشکی دارد و این امر باعث شده است که بخشی از تحقیقات علوم پزشکی به آموزش، شیوه ها و رویکردهای آن اختصاص یابد. از طرف دیگر تحول در علوم شناختی و رفتاری، شیوه های انتقال و یا آموزش پزشکی را دگرگون ساخته است. آموزش پزشکی دیگر به شیوه سنتی و مبتنی بر کلاس درس جوابگو نیست و شیوه های جدیدی می طلبد. یکی از رویکردهایی که شیوه های جدیدی را در آموزش پزشکی به دنبال داشته است، آموزش با رویکرد سازنده گرایی در مقابل

آموزش سنتی می باشد. اهمیت به کارگیری این رویکرد و روش های آموزش وابسته به آن برای علوم پزشکی از بخش های دیگر نظام آموزشی است. دلیل این امر، موضوعات و فضای علوم پزشکی است که نیاز به چنین رویکردی (مبتنی بر موقعیت و کار با موارد اصیل و واقعی) را افزایش می دهد (۲). بنابراین در پژوهش حاضر، استادان علوم پزشکی انتخاب شدند. تحقیقات انجام شده داخلی در خصوص سازنده گرایی در علوم پزشکی آن هم در قشر استاد بسیار اندک می باشد. تحقیقی هم که در ارتباط مستقیم با پژوهش حاضر باشد، تنها یک مورد یافت گردید. در ارتباط با پژوهش های خارج از کشور نیز بررسی ها نشان داد که نظریه سازنده گرایی در آموزش پرستاری بسیار پرطرفدار می باشد که در زیر به آن ها اشاره می گردد.

طبق گفته Hampton، سازنده گرایی به عنوان رویکرد جایگزین آموزش سنتی در آموزش پرستاری محسوب می شود. یافته های تحقیق وی نشان داد که دانش آموزان شرکت کننده در پروژه ۱۰ هفته ای به نتایج یادگیری اثربخش تری در مقایسه با رویکردهای سنتی دست یافتند (۳). Rolloff اظهار نمود که نیاز است آموزگاران بر اساس نظریه سازنده گرایی آموزش ببینند و بر این اساس چارچوب جدیدی برای دوره کارشناسی طراحی گردد (۴).

با توجه به مطالب فوق می توان کاربرد سازنده گرایی در آموزش پزشکی را به صورت زیر عنوان نمود:

۱. روش های تدریس دانشجو محور مثل یادگیری مشارکتی و یادگیری اکتشافی به خوبی با این رویکرد قابل تبیین است؛ به طوری که گاهی راهبردهای سازنده گرایی به دلیل تأکید بر دانشجویان به عنوان یاد گیرندگان فعال، در کل آموزش دانشجو محور نامیده می شوند (۵).

۲. همان طوری که گفته شد، بر طبق رویکرد سازنده گرایی آموزش باید در محیط های طبیعی و اصیل اتفاق بیافتد. یکی از راهبردهایی که شرایط محیط واقعی را در آموزش پزشکی دارد، یادگیری مبتنی بر مسأله (Problem based learning)

بر اساس یافته‌های به دست آمده، میانگین رده سنی ۵۰-۴۱ سال بیش از سایر رده‌های سنی بود که این امر به علت تعداد بیشتر افراد مورد بررسی می‌باشد. بیشترین میانگین سازنده‌گرایی مربوط به رده سنی ۶۰-۵۱ سال و کمترین میزان سازنده‌گرایی مربوط به رده سنی ۴۰-۳۰ سال بود (جدول ۱).
بیشترین استادان پاسخگو ۲۲-۱۵ سال سابقه خدمت داشتند و کمترین تعداد استادان پاسخگو دارای سابقه خدمت ۲۳ سال به بالا بودند. بیشترین میانگین سازنده‌گرایی مربوط به سابقه خدمت ۲۳ سال به بالا و کمترین میانگین سازنده‌گرا بودن مربوط به سابقه کمتر از ۶ سال بود (جدول ۲).
بیشترین مرتبه علمی استادان، مربی و کمترین آن‌ها استاد بود که دانشکده‌های مورد بررسی مرتبه علمی «استاد» نداشتند. مقایسه میانگین‌های مربوط به مرتبه علمی نشان داد که مرتبه استادیاری نسبت به سایر مرتبه‌ها سازنده‌گراتر بود (جدول ۳).

جدول ۱. داده‌های به دست آمده از رده‌های سنی

سن (سال)				
جمع	۵۱-۶۰	۴۱-۵۰	۳۰-۴۰	
۵۲	۶	۲۴	۲۲	فراوانی
۱۰۰	۱۱/۵۳	۴۶/۱۵	۴۲/۳۰	درصد فراوانی
۱۳۴/۴۴	۱۳۷/۱۶	۱۳۵/۸۷	۱۳۲/۱۳	میانگین

جدول ۲. داده‌های به دست آمده از سابقه خدمت

سابقه خدمت (سال)					
جمع	۲۳ به بالا	۱۵-۲۲	۷-۱۴	کمتر از ۶	
۵۸	۲	۲۴	۱۱	۲۱	فراوانی
۱۰۰	۳/۴۴	۴۱/۳۷	۱۸/۹۶	۳۶/۲	درصد فراوانی
۱۳۵/۰۵	۱۴۱/۵۰	۱۳۵/۶۲	۱۳۷/۱۸	۱۳۲/۶۶	میانگین

یا PBL) می‌باشد. یادگیری مبتنی بر مسأله ریشه در نظریه‌های سازنده‌گرایی و یادگیری بزرگسالان دارد. امروزه PBL به طور وسیعی در سراسر جهان در آموزش علوم پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد (۶).

۳. کارآموزی شناختی (Cognitive apprenticeship)

یا استاد- شاگردی: بر طبق نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی Vygotsky (به نقل از بیابانگرد)، دانش در بافت اجتماعی و به صورت تعاملی ساخته می‌شود (۷). این تعامل ممکن است تعامل فراگیر با فراگیر یا فراگیر با یاد دهنده باشد. در کارآموزی شناختی، دانشجویان از طریق حل مسایل واقعی در محیط‌های واقعی (مثل بالین) و در تعامل با افراد متخصص (مثل استاد بالینی) به یادگیری می‌پردازند. در این روش، یادگیری بیشتر در حیطه روانی- حرکتی (مهارتی) اتفاق می‌افتد (۸). به طور مثال دانشجویان کارورزی که زیر نظر و با هدایت دستیاران به یادگیری و فعالیت می‌پردازند، می‌توانند نمونه‌ای از کارآموزی شناختی به حساب آیند.

۴. نگارش توأم با بازاندیشی (Reflective Journaling)

راهنمایی است که اغلب در آموزش بالینی برای کسب بینش در تفکر بالینی دانشجویان مورد استفاده قرار می‌گیرد (۹).

روش پژوهش حاضر توصیفی- پیمایشی بود و در آن از ابزار پرسش‌نامه بهره گرفته شد که شامل ۳۶ سؤال و ۵ حیطه (زمینه‌گرایی، دانشجو محوری، تفسیرگرایی و ارزشیابی تکوینی) بود. بر این اساس، جامعه پژوهش حاضر شامل اعضای هیأت علمی دانشکده‌های مدیریت و اطلاع‌رسانی، بهداشت و تغذیه و توان‌بخشی (انتخاب این سه دانشکده به دلیل همخوانی بیشتر رشته‌های این دانشکده‌ها با موضوع پژوهش حاضر می‌باشد) بود که در کل ۶۸ نفر بودند و به دلیل آن‌که جامعه مورد مطالعه اندک بود؛ بنابراین از سرشماری استفاده گردید. در نهایت ۶۰ پرسش‌نامه پاسخ داده شد و مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۳. داده های به دست آمده از مرتبه علمی

مرتبه علمی					
جمع	استاد	دانشیار	استادیار	مربی	
۵۳	۰	۵	۱۱	۳۷	فراوانی
۱۰۰	۰	۴۱/۳۷	۱۸/۹۶	۳۶/۲۰	درصد فراوانی
۱۳۵/۰۹	۰	۱۳۹/۶۰	۱۴۱/۷۲	۱۳۲/۵۱	میانگین

در مطالعه حاضر ۲۹ مرد (۵۱/۷۵ درصد) و ۲۷ زن (۴۸/۲۱ درصد) شرکت کردند که بین جنس مرد و زن تفاوت چندانی در ارتباط با سازنده گرا بودن وجود نداشت (مردان با میانگین ۱۳۷/۵۸ و زنان با میانگین ۱۳۲/۴۸)، یعنی نمی توان اظهار نمود که مردان سازنده گراتر هستند یا زنان.

به طور کلی می توان اظهار نمود که بین سابقه خدمت و مرتبه علمی با سازنده گرا بودن رابطه نزدیکی وجود دارد. در واقع می توان گفت که با افزایش سن، استادان سازنده گراتر می شوند و این ممکن است به دلیل کسب تجربه بیشتر طی سال ها باشد. با افزایش سابقه خدمت نیز استادان سازنده گراتر خواهند شد و این امر می تواند به دلیل کسب دانش و تجربه بیشتر باشد. نکته قابل توجه در این مطالعه آن است که دانشیار با این که از لحاظ مرتبه علمی نسبت به استادیار در سطح بالاتری قرار گرفته است، اما طبق نتایج به دست آمده، استادیارها سازنده گراتر از دانشیارها بودند. بررسی این علت می تواند عنوان پژوهش دیگری باشد که علاقه مندان بر روی آن متمرکز شوند.

References:

1. Mansoori S. (dissertation). Investigating of high school teachers professional competencies in mazandaran province based on constructivism. Babolsar: Mazandaran University of Medical Sciences; 2011 [In Persian].
2. Abedini Baltork M, Asadnia M. Constructive approach to teaching-oriented application development for medical education. Proceedings of the National Conference on Medical Education; 2012; Kordestan, Sanandaj. 2012 [In Persian]
3. Hampton MD. Constructivism applied to psychiatric-mental health nursing: An alternative to supplement traditional clinical education. Int J Ment Health Nurs 2012; 21(1): 60-8.
4. Rolloff M. A Constructivist Model for Teaching Evidence-Based Practice. Nursing Education Perspectives 2010; 31(5): 290-3.
5. Salvin RE. Educational psychology: theory and practice. 8th ed. Boston: Allyn & Bacon; 2006.
6. Polyzois I, Claffey N, Mattheos N. Problem-based learning in academic health education. A systematic literature review. Europ J Dent Educ 2010; 14(1):55-64.
7. Biabangard E. Educational Psychology: Psychology of learning and instruction. Tehran: Virayesh; 2007. [In Persian]
8. Woolley NN, Jarvis Y. Situated cognition and cognitive apprenticeship: A model for teaching and learning clinical skills in a technologically rich and authentic learning environment. Nurse Educ Today 2007; 27(1):73-9.
9. Lasater K, Nielsen A. Reflective Journaling for Clinical Judgment Development and Evaluation. J Nurs Educ 2009; 48(1):40-4.